

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران
سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران موثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی

محمد مولوی*

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

یکی از گرایش‌های جدید در تفسیر که در یک‌صدساله اخیر مورد توجه مفسران قرآن قرار گرفته، رویکرد اجتماعی به قرآن است. در این رویکرد، مفسر قرآن درصدد تلاش برای حل مشکلات اجتماعی، پاسخگویی به شبهات و نیازهای عصر جدید، توجه به جهت‌گیری‌های عصری درباره مسائل اجتماعی برای ساختن تمدنی مبتنی بر قرآن و آموزه‌های وحیانی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا نشان دهد که رویکرد اجتماعی به قرآن، از جهات گوناگونی بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی تأثیر زیادی دارد. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از: هویت‌بخشی به جامعه اسلامی؛ عینی کردن ارزش‌ها و به‌صحنه آوردن تعالیم قرآن؛ تطابق دادن آموزه‌ها با ظرفیت اجتماعی در قلمرو حیات انسان‌ها؛ وحدت بخشیدن به امت اسلامی برای مقابله با دشمنان؛ تبیین سنت‌های الهی درباره حیات و زوال تمدن‌ها؛ معرفی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی؛ و توجه به تعلیم و تربیت نسلی نو مبتنی بر آموزه‌های قرآنی برای ساختن تمدنی نوین، مطابق با معارف حقیقی اسلام.

واژگان کلیدی: تمدن، تمدن اسلامی، آینده تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، تفسیر قرآن، گرایش اجتماعی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۹
آدرس نویسنده عهده‌دار مکاتبات: molavi@isr.ikiu.ac.ir

۱- مقدمه

اصطلاح «تمدن نوین اسلامی»، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین گفتمان‌هایی است که رهبر اندیشمند انقلاب اسلامی به‌عنوان بلندترین آرمان امت اسلام ارائه کرده است؛ آرمانی که ملت ایران با انقلاب اسلامی سنگ بنای آن را نهاد. سخن گفتن از بازآفرینی و تجدید بنای تمدن اسلامی که مبتنی بر تفکر دینی ناب و تدین عمیق و همه‌جانبه مسلمانان روشن‌اندیش و برخاسته از بیداری اسلامی است- برافراشتن بیرقی امیدبخش و نشاط‌آفرین در برابر تمدن غرب است. مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان در شهریور ۱۳۹۲ ضمن بیان آرمان نظام اسلامی، تمدن اسلامی را نیز این‌گونه تعریف می‌کند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد و زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد...». همچنین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار جوانان خراسان شمالی در مهر ۱۳۹۱، پیشرفت همه‌جانبه را به‌معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی، و هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند. ایشان در همین دیدار می‌فرمایند: «تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش ابزاری که می‌توان آن را بخش سخت‌افزاری دانست؛ از قبیل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، که همه وسیله‌اند؛ دیگری بخش حقیقی، نرم‌افزاری و اصلی تمدن است که همان سبک زندگی، متن زندگی، عقل معاش و فرهنگ زندگی است» (قاسمی و عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۴: ص ۸۲).

چنان‌که دیده می‌شود، در گفتار مقام معظم رهبری بخش حقیقی تمدن اسلامی، مربوط به سبک زندگی مردم است. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین هدف‌های قرآن و معصومان نیز اصلاح سبک زندگی مردم در همه ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... است. مفسران اجتماعی قرآن با محور قرار دادن مسائل و مشکلات اجتماعی، درصدد یافتن راه‌حلی برای آنها هستند. این دسته از مفسران، مشکلات اجتماعی مردم را به قرآن عرضه می‌کنند و می‌کوشند دیدگاه قرآن را درباره آنها تبیین نمایند. اصلاح سبک زندگی مردم، به اصلاح خانواده‌ها و جامعه می‌انجامد؛ امری که نتیجه نهایی آن، اصلاح تمدن و شکوفا شدن تمدن نوین اسلامی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی تأثیر رویکرد اجتماعی به قرآن و تأثیر آن بر اصلاح سبک زندگی مردم و شکوفایی تمدن نوین اسلامی می‌پردازد.

۲- پرسش‌های تحقیق

پژوهش پیش‌رو درصدد است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:
الف) میزان تأثیر رویکرد اجتماعی به قرآن بر پیدایش و شکوفایی تمدن نوین اسلامی چقدر است؟

ب) مفسران اجتماعی با چه روش‌هایی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی نقش دارند؟

۳- پیشینه تحقیق

درباره تمدن نوین اسلامی، مطالعات فراوانی در حوزه‌های متعدد و از زوایای گوناگون انجام شده است، برای نمونه، برخی از مهم‌ترین مقالاتی که در این باره به رشته تحریر درآمده، عبارت‌اند از: فرمینی فراهانی، ۱۳۹۵، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»؛ شریف‌نیا، ۱۳۷۹، «به سوی تمدن اسلامی، ضرورت‌ها و بایسته‌ها»؛ و ده‌ها مقاله دیگر که بررسی آنها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این پژوهش‌ها از زوایه قرآن‌پژوهی و رویکردهای تفسیری صورت نگرفته‌اند؛ و به‌ویژه، هیچ‌یک رویکرد اجتماعی مفسران به قرآن و تأثیر آن بر شکوفایی تمدن نوین اسلامی را تحلیل نکرده‌اند؛ بلکه از منظرهای گوناگون، همچون جامعه‌شناختی، علوم سیاسی، فرهنگی و... به بررسی آن پرداخته‌اند. از این رو، این پژوهش با محور قرار دادن دیدگاه مفسران اجتماعی قرآن و رویکرد جامعه‌شناسانه مفسران به آن، درصدد بیان تأثیر این نوع نگاه به قرآن بر شکوفایی تمدن نوین اسلامی است.

۴- مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۴-۱- گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن

آموزه‌های قرآن کریم، همچون اقیانوسی جهانی و جاویدان است که به همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها نظر دارد. از مسائل فردی گرفته تا مسائل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در آموزه‌های قرآن وجود دارد. جاودانگی قرآن و لزوم تداوم نقش هدایتگری آن در همه عصرها و نسل‌ها از یک سو، و بروز تحولات شگرف در جامعه بشری و پدیدار شدن پرسش‌ها، شبهات و نیازهای جدید و نیز ایجاد تحولات عمیق فکری و اجتماعی در جوامع اسلامی و نیاز به تعیین دیدگاه قرآن به منظور پاسخگویی به این نیازها از سوی دیگر، موجب شده است تا مفسران در دو قرن چهاردهم و پانزدهم، گرایش جدیدی به نام «گرایش اجتماعی» را در تفسیر آیات قرآن کریم مدنظر قرار دهند. نقطه تمرکز این گرایش، تحول اندیشه مفسران از دیدگاه فردی و اخروی به دیدگاه اجتماعی است (شریف، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۷).

این گرایش که در قرن چهاردهم و پانزدهم رونق زیادی گرفته و در واقع تفسیر مبتنی بر نیازهای روز است، درصدد است تا به حل مشکلات اجتماعی بپردازد. جوهره این گرایش، در ترویج

نهضت اصلاحی و زدودن غبار عادات، تقلید، خرافه، رکود و رخوت از چهره دین، و برانگیختن روح مبارزه و مقاومت و ایجاد هویت مستقل دینی در سایه معارف قرآن در جامعه است. تفسیر اجتماعی می‌کوشد با کشف و ارائه پیام و هدایت قرآن در تمام مسائل مرتبط با حیات، به‌ویژه مسائلی که در ساختن جامعه و اصلاح سیاست و اقتصاد آن دخیل است، افزون‌بر درمان مشکلات و معایب آن، کفایت و صلاحیت قرآن برای هدایت انسان در دوره جدید را نیز اثبات کند. از این رو، از جمله وظایف یک مفسر اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای عصر، انطباق دین با تحولات زمان، مقابله با بدفهمی‌های تفسیری، مقابله با تهاجمات فرهنگی و اشکالات و شبهات محدودکننده قرآن، همچنین هویت‌بخشی به جامعه مسلمانان و تقویت تشکلهای اجتماعی و دینی در جامعه، و مبارزه با فقر و مشکلات اخلاقی برآمده از ناحیه تبعیض‌ها و فاصله طبقاتی و جهل و بی‌سوادی است (حسینی میرصفی، ۱۳۹۲: ص ۱۸). مشاهده می‌شود که همه این مسائل، از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی شمرده می‌شوند. از این رو، برخی از نشانه‌های اجتماعی‌نگری تفاسیر قرآن در دوران معاصر، عبارت‌اند از: تلاش برای دفاع از سنگرهای فکری و دینی در برابر هجوم شبهات بیگانه (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ج ۶: ص ۴۳۱؛ و ج ۷: ص ۳۰۵)؛ اهتمام به پیام‌های عام تربیتی اجتماعی آیات، و برجستگی موضوعاتی همچون سنن اجتماعی و اسباب قوت و ضعف امت‌ها (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ص ۱۹۲)؛ اصل اختیار انسان و جوامع انسانی و نقش سرنوشت‌ساز آن در سعادت و شقاوت بشر (شریعتی، بی‌تا: ص ۲۸۳ و ۲۸۴)؛ اخوت و برادری اسلامی (همان: ص ۴۱۹)؛ وعده عزت و پیروزی مؤمنان؛ شورا و نظام حکومتی؛ و موارد دیگر. روشن است که همه این مسائل، از اساسی‌ترین موضوعات تمدنی و اجتماعی شمرده می‌شوند؛ موضوعاتی که تبیین صحیح آنها می‌تواند نقش مؤثری در بیداری مردم و آگاهی بخشیدن به آنها در حیات فردی و اجتماعی و در نهایت شکوفایی تمدن نوین اسلامی داشته باشد.

با مطالعه آیات قرآن کریم و دقت در قصص و آیات بیانگر سنن الهی، می‌توان علل و عوامل ایجاد و رشد و نمو جوامع، اجتماعات و تمدن‌های بشری را از یک سو، و علل و عوامل انحطاط و سقوط آنها را از سوی دیگر، از قرآن کریم استنباط کرد. براساس آیات قرآن، سرنوشت انسان‌ها (هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی) و علل شکوفایی یا انحطاط جوامع و نابودی تمدن‌ها، از درون همان جوامع و تمدن‌ها برمی‌خیزد و امری است که ناشی از اراده و اختیار افراد آن جوامع است و اینکه هر جامعه‌ای در نهایت به انحطاط و نابودی می‌انجامد، امری حتمی و لایتغیر الهی نیست؛ بلکه علل و عوامل، از درون جامعه و تمدن برمی‌خیزد و پس از آن، هلاکت و نابودی آن جامعه و تمدن حتمی می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶). در تفسیر «أحسن الحدیث» ذیل این آیه آمده است:

ایمان به خدا، شناخت مبدأ و پرهیز از ظلم و تجاوز، سبب خواهد شد که جوامع بشری از موهبت‌های بیکران آسمان و زمین بهره‌مند گردند؛ ولی برخی انسان‌ها به هدایت انبیا و به هدایت تکوینی اهمیت نمی‌دهند و در اثر ظلم و اجحاف، تارومار شده و به سقوط کشانده می‌شوند. این امر، یکی از سنت‌های الهی و نظام‌های لایتغیر جهان می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۴۷۰).

نظیر همین مطلب نیز در سوره نحل چنین آمده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامَنَةً مُمْتَنِنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲؛ همچنین رک: رعد: ۱۱ و نحل: ۵۳). از نظر علامه طباطبایی، به‌عنوان یک مفسر اجتماعی، این آیات به علل شکوفایی یا انحطاط تمدن‌ها اشاره دارند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «براساس این آیات، تمام سرنوشت جوامع و تمدن‌ها به‌دست آحاد جامعه است: مادامی که مردم بر فطرت مستقیم و پاک خود هستند، نعمت‌های خداوند نصیب آنها می‌شود؛ و زمانی که کفران نعمت و معصیت کنند، نعمت‌های آنان به نعمت مبدل می‌شود و دچار سختی می‌شوند یا به‌کلی نابود می‌گردند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ص ۳۱۰).

شایسته یادآوری است که مهم‌ترین تفاسیر اجتماعی قرآن در دوران معاصر، در دو مذهب شیعه و اهل سنت وجود دارد. برخی از مهم‌ترین تفاسیر اجتماعی اهل سنت عبارت‌اند از: بخش اول «تفسیر المنار» که انعکاس‌دهنده تنها دیدگاه‌های محمد عبده است؛ «تفسیر المراغی»، احمد مصطفی مراغی؛ «تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج»، وهبه زحیلی؛ «تفسیر شعراوی»، محمد متولی شعراوی؛ «تفسیر الحدیث»، عزت دروزه؛ «بدایع التفسیر، شمس‌الدین ابن‌قیم (م ۱۳۵۰)؛ «التحریر و التنبؤ»، محمد بن طاهر بن عاشور؛ «التفسیر القرآنی للقرآن»، عبدالکریم خطیب؛ و تاحدودی «محاسن التأویل»، جمال‌الدین قاسمی، و برخی دیگر. از میان تفاسیر شیعه نیز می‌توان به تفاسیر ذیل اشاره کرد: «تفسیر المیزان»، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی؛ «تفسیر الکاشف»، محمدجواد مغنیه؛ «تفسیر پرتوی از قرآن»، سیدمحمد طالقانی؛ «تفسیر نوین» محمدتقی شریعتی؛ «تفسیر نمونه»، ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛ «تفسیر راهنما»، اکبر هاشمی رفسنجانی؛ «تفسیر من هدی القرآن»، سیدمحمدتقی مدرسی؛ «تفسیر من وحی القرآن»، سیدمحمدحسین فضل‌الله، و بسیاری تفاسیر دیگر.

۴-۲- تمدن نوین اسلامی

۴-۲-۱- تمدن در لغت و اصطلاح

«تمدن» بر وزن «تفعل» در لغت به معنای «اقامت کردن در مکانی» است (طریحی، ۱۳۷۵، ۶: ص ۳۱۵)؛ و برخی معنایی فراتر از اقامت، به معنای «شهرنشینی» دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۷۶۳)؛ یعنی صرفاً به معنای جمعیتی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، نیست؛ بلکه «تمدن» به معنای مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در چهارچوب قواعد و قوانین خاصی زندگی می‌کنند و

دارای جهات مشترک زیادی با یکدیگرند. گاهی رفتار متمدن یا مدنی، نقطه مقابل بربریت یا رفتار بد و ناخوشایند تلقی می‌شود. در این مفهوم، تمدن به معنای مهارت و تخصص نیز است؛ برای مثال، مردمی که در روستایی کوچک کار می‌کنند، اما دارای مهارت‌هایی هستند، می‌توانند افراد متمدن یا مدنی به‌شمار آیند.

برخی پژوهشگران بر این باورند که:

تمدن، شبکه پایدار ساختارها و سیستم‌های معرفتی، قانونی و فرهنگی در مقیاس جمعی با هدف پاسخگویی به کل هرم نیازهای انسانی - چه فردی و چه گروهی - است. تمدن‌ها در ساختارها و سیستم‌ها متولد می‌شوند. فقط جامعه‌ای که دارای سیستم بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، خانوادگی، عبادی، خدماتی، رسانه‌ای و بین‌المللی و... باشد و این سیستم‌ها به‌صورت شبکه واحد متصل به هم مدیریت شوند، دارای تمدن خواهد بود (اسماعیلی و واسطی، ۱۳۹۴: ص ۶۱؛ خرمشاد، ۱۳۹۲: ص ۱۳۰).

از نظر ویل دورانت، تمدن در شکل کلی، همان «نظم اجتماعی» است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. ظهور تمدن، هنگامی امکان‌پذیر است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان پذیرد؛ و تابع عواملی است که یا سبب تسریع در حرکت آن می‌شود یا آن را از مسیر خود بازمی‌دارد (دورانت، ۱۳۶۵: ص ۲).

بنابراین، می‌توان گفت که تمدن، سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها در یک دوره تاریخی و در یک منطقه جغرافیایی با اهداف مشترک و دستاوردهای خاصی است که در چهارچوب مجموعه‌ای از قواعد و قوانین منبعث از اصول عقلانی و پذیرفته‌شده توسط آحاد آن جامعه، شکل گرفته است.

۴-۲-۲- ابعاد و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی

پیش از هرچیز باید ابعاد تمدن مشخص شود. دانشمندان معتقدند که تمدن دارای دو بعد مادی و معنوی است. بعد مادی، شامل صنعت، کشاورزی، دامداری، جمعیت و... است؛ و اموری همچون اتحاد، رهبری، قانون الهی، رعایت حقوق بشر، اخلاق و ده‌ها مورد دیگر، جزء تمدن معنوی به‌شمار می‌آید (زمانی، ۱۳۴۸: ص ۳۲). در این میان، بعد معنوی اهمیت بالاتری دارد. از نظر آموزه‌های دینی، اساس و بنیاد تمدن اسلامی خدامحوری است و دین همه مظاهر تمدن و فرهنگ را دربردارد. شرط شکوفایی تمدن نوین اسلامی، تحقق عینی و حضوری ولایت الهی بر همه عرصه‌های جوامع است.

در دیدگاه برخی پژوهشگران، وجود نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، به‌گونه‌ای که مزاحمت‌های ویرانگر را منتفی سازد و همه جامعه را در مسیر رشد و کمال قرار دهد، از نشانه‌های یک تمدن پیشرفته اسلامی است (جعفری، ۱۳۷۵، ج ۱۶: ص ۲۳۴-۲۳۳).

فرید وجدی در کتاب «دین در عصر دانش» درباره اهمیت بعد معنوی تمدن - که مورد تأیید و تأکید دین اسلام نیز هست و می‌توان آن را از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی برشمرد - معتقد

است: تمدن در هر سرزمینی سازگار و با هر نژادی قابل دوام است؛ ولی در سرزمینی که ارکان تمدن یکنواخت و هماهنگ باشد، یعنی نیروی مادی و معنوی قوای جسمی و روحی به طور مساوی تکامل پیدا کنند، چنین تمدنی می‌تواند راه ترقی بی‌پایید. به علاوه، هرگاه رشد صنعتی همدوش رشد اخلاقی نباشد، اجتماع به سوی توحش اخلاقی رهسپار می‌گردد؛ و ارکان چنین تمدنی که فقط تمدن صنعتی و بعد مادی آن تکامل یافته است، به سوی تزلزل و نابودی است (زمانی، ۱۳۴۸: ص ۳۲). مروری بر سیر تحول تمدن‌ها نیز در طول تاریخ نشان می‌دهد که انبیا در هسته مرکزی بسیاری از تمدن‌های بشری جای دارند و هدف مشترک همه انبیا، رساندن انسان‌ها به کمالات انسانی و افزایش بینش و بصیرت برای ساختن تمدنی مبتنی بر اخلاقیات و نظام ارزشی است؛ چراکه پایه و اساس پیشرفت تمدن، بر صنعت و فناوری و علم نیست؛ بلکه بر فرهنگ و بینش و کمال انسانی است. پیدایش و شکوفایی تمدن جدید، در گرو تغییر کلیه عناصر نظام ارزشی و فکری جامعه و روابط آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ص ۲۲).

تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره‌برداری از امکانات و ابزارهایی که بر اثر پیشرفت‌های علمی و فنی تمدنی بشر به دست آمده‌اند، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را به وی عطا کند. تحقق تمدن نوین اسلامی، بدون داشتن نقشه راه و الگویی جامع و پیشرو، ممکن نیست. البته این الگو باید براساس مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار باشد (فرهین‌ی فراهانی، ۱۳۹۵: ص ۸۸).

بنابراین، انسان در تمدن نوین اسلامی از جهل و توحش خارج شده و رو به سوی انسانیت کرده و در مسیر آرمان‌های الهی است. در چنین تمدنی، به همه جنبه‌های مادی و معنوی انسانی توجه می‌شود؛ ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد، بعد معنوی انسان و فراهم کردن امکانات در جهت تکامل انسانی است.

شایان ذکر است که خداوند در قرآن به تمدن‌های زیادی، از قبیل فرعونیان (سوره‌های بقره، شعراء، قصص و طه)، بنی‌اسرائیل (بقره: ۴۰، ۴۷، ۸۲ و ۱۲۳؛ مائده: ۳۲ و ۷۰ و اسراء: ۴)، ثمود (اعراف: ۷۳ و هود: ۶۳)، عاد (اعراف: ۶۵؛ توبه: ۷۰ و هود: ۵۰ و ۵۹)، قوم سبأ (سبأ: ۱۷-۱۵ و نمل: ۲۲) و مانند آنها اشاره کرده است؛ سپس مردم را به عبرت‌گیری از آنها دعوت می‌کند. قرآن در آیات زیادی به تحلیل علل و عوامل شکوفایی و نیستی این تمدن‌ها اشاره می‌کند تا دیگر جوامع بشری از آن پند بگیرند و از علل و عوامل آسیب‌زای آن بپرهیزند یا جلوگیری کنند. از منظر قرآن، مهم‌ترین علتی که موجب انقراض تمدن‌ها می‌شود، خصیصه استکبار است؛ زیرا علل و عوامل دیگری همچون اعراض از آیات خدا (حجر: ۸۴-۸۱)، تکذیب پیامبران و آیات الهی (انعام: ۱۱)، شرک (غافر: ۸۴-۸۲)، کفران نعمت (سبأ: ۱۷-۱۵)، موعظه‌ناپذیری (اعراف: ۷۹-۷۳) و ظلم و ستم (انبیاء: ۱۳-۱۱)، همه به استکبار و خودبرتربینی برمی‌گردند.

۵- نقش مفسران اجتماعی قرآن در ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی

همان‌گونه‌که پیش‌تر نیز گذشت، قرآن دارای دستورالعمل‌های خاصی برای تمدن‌سازی است. از آنجایی‌که کشف این دستورالعمل‌ها و به‌صحنه آوردن آنها از عهده همه افراد برنمی‌آید، مفسران اجتماعی قرآن وظیفه تبیین و تشریح گفتمان‌های تمدن‌ساز قرآن را برعهده دارند. برخی از گفتمان‌های تمدن‌ساز قرآن عبارت‌اند از: شمول متن و چندساحتی بودن تعالیم قرآن؛ نظام‌مندی و انسجام آن در عین برخورداری از ژرفا و عمق؛ عقلانیت و ابتنا بر تفکرات فلسفی و مبانی نظری؛ انعطاف‌پذیری و آسانی در احکام نظری و عملی دین؛ فرازمانی، فرامکانی، فرائزادی و فرازمانی بودن گفتمان قرآن؛ گره خوردن مصالح فرد و جامعه؛ پیوند زندگی عادی و عبادی انسان‌ها؛ برقراری ارتباط بین دنیا و آخرت؛ نگاه یکدست و یکپارچه به مسلمانان و همچنین به جامعه بشری؛ پیوند حق‌الله با حق‌الناس؛ نگاه مثبت قرآن به اندیشه‌ورزی در حوزه طبیعت؛ پیوند نسل‌های تاریخ بشری و رسالت و مسئولیت انسان‌ها؛ و بسیاری موارد دیگر (اعرافی، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰).

درحقیقت، گفتمان تمدنی قرآن گفتمانی در جهت هدایت بشر است که گاه در ظاهر آیات و گاه در لایه‌های درونی آیات نهفته است؛ و همین امر، خود نیاز به تفسیر اجتماعی و تلاش مفسران اجتماعی برای کشف تعالیم قرآن را می‌طلبد.

تذکر این نکته نیز ضروری است که هر تمدن، از فرهنگ‌های مختلفی تشکیل شده که به‌لحاظ وسعت، کوچک‌تر از تمدن است. اشتراکات این فرهنگ‌ها، تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین، فرهنگ ناظر به سنن و آداب و رسوم و شعایر و... است که مجموعه آنها موجب ایجاد تمدن می‌شود. دراین‌میان، مفسران اجتماعی در پرتو آیات قرآن به حل مسائل فرهنگی و مشکلات اجتماعی زندگی مردم می‌پردازند و از این رهگذر می‌توانند در جهت اصلاح تمدن و شکوفایی تمدن نوین اسلامی حرکت کنند. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از: خردگرایی و تبیین جایگاه عقل در کشف حقایق در زندگی؛ نفی تقلید کورکورانه؛ تلاش در جهت خرافه‌زدایی از زندگی مردم در همه ابعاد عقیدتی و عملی؛ تصفیه اندیشه دینی، نمایاندن چهره واقعی دین اسلام به‌صورت مکتبی جامع و کارآمد؛ اصلاح تدریجی خرد و اندیشه در سطوح مختلف، از عموم تا علما و دانشمندان؛ تجدید حیات اجتماعی و سیاسی اسلام؛ احیای معرفت دینی؛ مبارزه با استعمار؛ تلاش برای بیداری مسلمانان؛ تلاش برای وحدت بخشیدن به مردم و مسلمانان، به‌ویژه ایجاد همبستگی و اتحاد در برابر سلطه‌جویی تمدن غرب؛ تلاش برای ایجاد دولت اسلامی و استحکام بخشیدن به آن؛ تشویق مردم به خودکفایی ملی؛ تشویق به ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات؛ تربیت صحیح نسل جوان و نوجوان؛ مبارزه با خودکامگی حاکمان مستبد؛ رهانیدن تفکر از یوغ جمود و خمود؛ تجهیز به علوم و فنون جدید و استقبال از رویه مثبت تمدن غرب؛ بازگشت به اسلام نخستین؛ بازگشت به تعالیم قرآن و سنت حقیقی معصومان؛

تقویت ایمان و اعتقاد به جامعیت مکتب اسلام؛ هویت‌بخشی به مسلمانان و توجه به هویت خود و یأس از غیر خود؛ روشن ساختن پیوند علم و دین و تبیین عدم تعارض میان آنها؛ عرضه دین به صورت کارآمد و به‌صحنه آوردن تعالیم دینی؛ دمیدن روح تعهد، جهاد، استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کالبد مردم؛ ایجاد نگرش مطلوب دینی در میان مردم در همه عرصه‌ها؛ و ده‌ها مسئله دیگر (برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک: خرمشاد، ۱۳۹۲: ص ۱۴۶).

در ادامه، به برخی از مهم‌ترین روش‌های مفسران اجتماعی قرآن برای ایجاد و شکوفایی تمدن نوین بر پایه احکام و قوانین اسلام پرداخته می‌شود.

۵-۱- هویت‌بخشی به جامعه اسلامی

یکی از گام‌های مهم برای دستیابی به تمدن اسلامی و شکوفایی هرچه بیشتر آن، هویت‌بخشی به جامعه اسلامی به‌عنوان یک امت واحده است. تبیین مشترکات میان کشورهای اسلامی و دور نمودن آنان از اختلاف و تفرقه و اعطای هویت ملی و دینی به آنها، نقش مهمی در ایجاد اعتماد میان مسلمانان و در نهایت همکاری و مقابله با دشمن را دارند. احساس هویت و خودباوری، به‌معنای آگاهی به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های خودی است. اگر بخواهیم در برابر جامعه آرمانی‌ای که تمدن مادی پیش‌روی بشر قرار داده است، افقی جدید بکشیم، باید خودباور باشیم. در واقع، نخستین گامی که باید در این راستا برداشته شود، ایجاد خودباوری در امت اسلامی است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۵: ص ۸۸).

محققان مهم‌ترین سنگ‌بنای تمدن‌سازی را تحقق اراده یک ملت و استقلال هویتی و هویت اسلامی و مردمی انقلاب اسلامی دانسته‌اند و از دانش و دانایی متکی به دین و ایمان مذهبی، به‌عنوان دو بال تحقق تمدن یاد کرده و شرط تمدن‌سازی را خلاقیت در گرو آزادی به‌شمار آورده‌اند. به‌علاوه، دانش و دانایی، که هر دو با تکیه بر دین و ایمان مذهبی تحقق می‌یابند، دو بال تمدن شمرده می‌شوند (مهاجرانی، ۱۳۷۵: ص ۳-۴).

مهم‌ترین چالش امروز جهان اسلام، مسئله هویت‌سازی و هویت‌بخشی برای مردم مسلمان است. پس از پیشرفت خیره‌کننده غرب، به‌ویژه در عرصه صنعت و فناوری، و عقب‌ماندگی مسلمانان، به‌ویژه در عرصه‌های علوم و فناوری، بسیاری از مسلمانان دچار بحران هویت شدند و همین امر موجب سوءاستفاده غرب از جامعه اسلامی و تلاش آنان برای نهادینه‌سازی فرهنگ غرب در میان مسلمانان و دور ساختن جامعه اسلامی از میراث کهن و اصلی خود شده بود. از این رو، مفسران اجتماعی قرآن درصدد برآمدند تا با الهام از آیات قرآن، به مسلمانان هویت حقیقی و موجودیت واقعی آنها را برگردانند.

احیای روحیه جهاد و مبارزه با استکبار (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۳۴۳؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۲۲۸؛ و ج ۳: ص ۱۵۵۸ و ۱۵۶۰)، ایجاد اتحاد میان مسلمانان (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ص ۱۳۵)، متکی نمودن مسلمانان به خود، نه به بیگانگان، بیدار کردن عقول مسلمانان و تقویت

روحیه اجتهاد و دوری جستن از تقلید از گذشتگان، و بسیاری موارد دیگر، از مهم‌ترین گام‌هایی بود که مفسران اجتماعی به‌منظور هویت‌بخشی به مسلمانان انجام دادند. از نظر مفسران «المنار»، اسلام دین عقل و تفکر است (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۱۱: ص ۲۴۴). از نظر آنان، قرآن در آیات متعددی مخاطبان خود را به تعقل و تدبر دعوت می‌کند (همان، ج ۵: ص ۲۹۷-۲۸۷) و فهم بسیاری از آیاتش را نیز به اهل تفکر منحصر می‌کند (همان، ج ۱۱: ص ۲۴۵). مفسران «المنار»، تقلید در دین را باطل می‌دانند (همان، ج ۸: ص ۲۸۸)، آن را نکوهش می‌کنند (همان، ج ۱: ص ۴۲۵؛ ج ۲: ص ۸۲-۸۰، ۱۱۱ و ۱۱۲) و به آیاتی از قرآن اشاره می‌کنند که تقلید از آبا و اجداد و بزرگان را مذمت می‌کند (همان، ج ۲: ص ۹۵-۹۰؛ ج ۱۲: ص ۲۵۲ و ۲۵۳؛ برای توضیح بیشتر، ر.ک: نفیسی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۲).

۵-۲- وحدت بخشی به جامعه اسلامی

یکی دیگر از عوامل ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ایجاد اتحاد و همبستگی میان امت اسلامی است. اتحاد جوامع اسلامی، موجب اقتدار امت اسلام می‌گردد؛ امری که از اساسی‌ترین مؤلفه‌های پایداری یک نظام و تمدن است. پیدایش و تداوم نظام‌ها و تمدن‌ها، به میزان اقتدار آنها بستگی دارد. مطالعه تمدن‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد که صرف حقانیت یک مکتب و تمدن، نمی‌تواند موجب تداوم حیات آن تمدن باشد؛ بلکه حاکمیت اندیشه‌های باطل در طول تاریخ نشان‌دهنده این است که غیرحق نیز می‌تواند حاکمیت کند. بنابراین، تولد و تداوم نظام‌ها و تمدن‌ها، مبتنی بر اقتدار آنهاست (پسندیده، ۱۳۸۶: ص ۳). مطابق آموزه‌های دینی، یکی از راه‌های کسب اقتدار تمدن‌ها، داشتن وحدت میان آنهاست. قرآن کریم نیز در موارد فراوانی، بر همبستگی و اتحاد تأکید فراوان داشته است (ر.ک: آل‌عمران: ۱۰۳). مفسر اجتماعی می‌کوشد تا با تبیین صحیح آیات و تشریح سنن الهی، به اتحاد میان مسلمانان بیفزاید. او می‌کوشد تا نشان دهد که اقتدار در جامعه و تمدن، فقط مرهون قدرت سیاسی، قدرت نظامی و زور و... نیست؛ بلکه اصلی‌ترین عامل اقتدار، که موجب بقای تمدن‌ها می‌شود، همان اتحاد و همبستگی میان امت است. برای مثال، بسیاری از مفسران غیراجتماعی، از آیاتی که ناظر به داستان‌های انبیا و اقوام گذشته است، صرفاً به بیان داستان و حکایت سرگذشت آنها بسنده می‌کنند؛ ولی مفسر اجتماعی، در ورای این آیات، به کشف قوانین و سنن الهی حاکم بر نظام طبیعت می‌پردازد.

برای نمونه، مفسر اجتماعی ذیل آیات ۳۶ سوره ق، ۷۸ سوره قصص، ۱۵ سوره فصلت (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۳۱۱۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ص ۳۲۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ص ۲۶۱)، آیه ۹ سوره روم (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۲۱)، آیه ۴۴ سوره فاطر، (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ص ۳۹۴)، آیه ۲۱ سوره غافر (خطیب، بی‌تا، ج ۱۲: ص ۱۲۱۹) و بسیاری آیات دیگر، به تبیین علل اجتماعی ظهور و بروز تمدن‌ها می‌پردازد و به ریشه‌شناسی اقتدار و

عدم اقتدار جوامع می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که مفسران عموماً ذیل این آیات به دنبال تبیین این مسئله‌اند که قدرت، ثروت و شوکت، به تنهایی نمی‌توانند عامل تداوم تمدن باشند؛ چنان‌که مطابق برخی از این آیات، تمدن‌هایی بودند که از جهات مادی قوی بودند، ولی قدرتشان مانع نابودی آنها نشد.

در آیات فراوانی، قرآن مردم را از اختلاف و تفرقه نهی کرده است. مفسران اجتماعی در تفسیر این‌گونه آیات می‌کوشند تا با پیوند این آیات با مسائل و مشکلات اجتماعی، اهمیت اتحاد در شکوفایی تمدن نوین اسلامی را تشریح کنند و اختلافات را ناچیز و بی‌قدر جلوه دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶). اختلاف و تنازع، موجب ضعف مردم و از بین رفتن اعتماد می‌شود و در نتیجه، موجب از بین رفتن شوکت اسلام و تمدن اسلامی می‌گردد. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ص ۱۳۵). از نظر پیامبر اکرم، اختلاف و تفرقه موجب پیروزی باطل بر حق می‌شود: «مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بِأَطْلُهَا عَلَى حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ص ۳۹۷). بررسی تاریخ نیز حکایت از این دارد که افول بسیاری از تمدن‌ها و عامل شکست اندیشه‌های زیادی در طول تاریخ، تفرقه و نبود اتحاد بوده است.

شایسته یادآوری است که مقصود از اتحاد، صرفاً اتحاد میان مردم نیست؛ بلکه اتحاد میان مردم و حاکم را هم شامل می‌شود؛ بلکه شاید بتوان گفت که این نوع اتحاد، از حالت قبلی اهمیت بیشتری دارد. امام علی (ع) در نهج البلاغه نیز به اهمیت این مطلب اشاره می‌فرماید (سید رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۹۲ و نامه ۶۲). این مطلب، از توجه به داستان‌های انبیا در طول تاریخ و عامل شکست یا پیروزی آنها روشن می‌شود. مفسران اجتماعی قرآن ذیل برخی آیات مربوط به داستان‌های انبیا می‌کوشند تا نشان دهند که وحدت یا نبود آن میان مردم و انبیا، چقدر در پیدایش و شکوفایی یا نابودی تمدن‌های بزرگ تاریخ تأثیرگذار بوده است. استضعاف اجتماعی حضرت نوح و شکست وی در امر تبلیغ دین و نگرودن مردم به وی پس از حدود هزار سال تلاش برای دعوت و تبلیغ دین، نمونه‌ای از این امر است. خداوند در این باره می‌فرماید: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ» (قمر: ۹ و ۱۰). در این آیه، تکذیب حضرت نوح توسط قومش، عامل شکست ایشان در امر تبلیغ دین شده است و در نتیجه همین تکذیب بود که آن حضرت آنها را نفرین کرد و عذاب خداوند فرا رسید (ر.ک: قمر: ۱۶-۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ص ۶۸).

۵-۳- کاربردی کردن تعالیم قرآن در جامعه اسلامی

هدف اصلی تمدن، ایجاد الگوهای نظم پایدار در جوامع ساکن انسانی و مبارزه با نیروهای خارجی و نیز مقابله با هسته‌های هرج و مرج مستتر در درون جوامع است. به عبارت دیگر، وظیفه هر تمدنی، حفظ نظام موجود از طریق رفع تناقضات درونی میان پیش‌فرض‌های

موضوعه در حیطه عقل نظری و جوهری، و نیز پاسخ به چالش‌های جدید ناشی از تعامل این پیش‌فرض‌ها و صور نهادینه‌شده آنها با یکدیگر، و نیز هماهنگ کردن این منابع برای پاسخ به چالش‌های جهان خارج است (امامی، ۱۳۹۱: ص ۲۷۸-۲۷۷).

زمانی جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی به‌منصه ظهور می‌رسد که ارزش‌ها و شاخص‌های اخلاقی و دینی در جامعه نهادینه شود و مردم به‌شکل عملی با آموزه‌های قرآن آشنا شوند و کارکرد عملی دین را در زندگی روزمره خود مشاهده کنند و به‌کار بندند. از مهم‌ترین این ارزش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: صداقت، تعاون و همکاری، کرامت، مدارا، صبر و تحمل، قانون‌مداری، عدالت اجتماعی، احساس مسئولیت، انتقادپذیری، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق حرفه‌ای و ده‌ها مورد دیگر. مفسران اجتماعی قرآن، ذیل آیات مربوط به این ارزش‌ها می‌کوشند تا ضمن تبیین کارکرد اجتماعی این ارزش‌ها، مردم را به رعایت این ارزش‌ها در زندگی تشویق کنند تا در نتیجه، شاهد عینی نتایج آنها در زندگی باشند (مغویه، ۱۴۲۴ق، ج ۳: ص ۹). برای نمونه، علامه فضل‌الله ذیل آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) معتقد است که این آیه به‌منزله شعار اسلامی حیات بشری است که انسان‌ها را به نیکی، هم در عقیده و هم در عمل، دعوت می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۲۶).

آیه پایانی سوره آل‌عمران که به اهمیت صبر در زندگی و دعوت به صبر در مصائب و مشکلات و داشتن روابط حسنه میان مردم پرداخته است. نیز از جمله آیاتی است که نظر مفسران اجتماعی را به‌خود جلب کرده است. عموم مفسران اجتماعی، ذیل این آیه به اهمیت روابط اجتماعی حسنه و ضرورت برخورد با مشکلات و داشتن صبر و مقاومت پرداخته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ص ۲۱۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ص ۴۹۰). شکوفایی تمدن اسلامی نیز چیزی نیست، جز نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در میان مردم و به‌کار بستن آنها در زندگی خود.

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های یک تمدن پیشرفته و شکوفا، مسئولیت‌پذیر بودن مردم و مدیران و حاکمان جامعه است. اگر حس مسئولیت‌پذیری در همه آحاد جامعه تقویت شود، آن جامعه رو به تعالی و پیشرفت می‌نهد. بی‌شک مسئولیت‌پذیری و وفای به‌عهد و تعهد، از ملزومات تشکیل هر نظام، سازمان و نهادی است. هرگاه دو یا چند نفر برای دستیابی به هدف معین دست به اقدام یا فعالیتی بزنند، خواسته یا ناخواسته سازمان یا نظامی را می‌سازند. این سازمان می‌تواند یک خانواده، یک کارخانه، یک اداره دولتی، یک شرکت بین‌المللی، یک کشور یا یک ملت باشد. آنچه مسلم است، توجه به مسئولیت و به‌تبع آن پاسخگویی، موجب استحکام هر نظامی می‌شود. در هر سازمان، اگر اهمیت این مهم خدشه‌دار شود، نمی‌توان سرانجام خوبی را برای آن متصور شد؛ در دین مبین اسلام و به‌ویژه در قرآن نیز به این امر بسیار اهمیت داده

شده است و آیات فراوانی به مسئولیت و مسئولیت پذیری اشاره دارند. مفسران اجتماعی نیز ذیل این آیات می‌کوشند تا کارکرد اجتماعی این آیات را تبیین کنند و از رهگذر تبیین ابعاد اجتماعی این آیات، گامی در جهت شکوفایی تمدن نوین اسلامی بردارند. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که درباره حس مسئولیت و تعهد، سه گروه آیات وجود دارد: گروهی از آیات، درباره تعهدپذیری و حس مسئولیت، به شکل عام صحبت می‌کنند؛ مانند آیات ۳۴ سوره اسراء؛ ۱۷۷ بقره؛ ۸ مؤمنون؛ ۳۲ معارج؛ ۱ مائده و ۷۶ آل عمران (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ص ۱۱۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ص ۲۳۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۷: ص ۱۹۱). گروه دوم، آیاتی‌اند که به مسلمانان دستور می‌دهند که به عهد خود وفا کنند و در برابر پیمان‌ها و قراردادهای اجتماعی مسئول باشند. آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس، ۹۱ نحل، ۲۳ احزاب، ۲۷ بقره، ۲۷ آل عمران، ۷۷ انعام، ۱۵۲ رعد، ۲۰ و ۲۵ نحل، و ۹۱ و ۹۵ احزاب از این دسته‌اند (ر.ک: حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۳۳۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۲۱۲۹). گروه سوم نیز ناظر به عهدی است که خداوند با مردم بسته و تعهدی است که خداوند خود را مسئول ادای آن می‌داند. برخی از این آیات عبارت‌اند از: آیه ۴۰ سوره بقره و ۱۱۱ سوره توبه. روشن است که وفای خداوند به عهدی که بسته است، از صفات جلالیه اوست، که با کمال بی‌نیازی و غنای مطلق، خبر از ایفای عهدی که بسته است، می‌دهد.

بنابراین، یکی از رسالت‌های سنگین یک مفسر اجتماعی قرآن این است که برخلاف تفاسیر سنتی که به شکل نظری به تبیین مبانی ارزشی قرآن می‌پرداختند- تلاش کند تا راهکارهای عملی ارائه دهد و زبان فنی قرآن را به زبان عرفی و ساده تبیین نماید. از همین رو، یکی از ویژگی‌های تفاسیر اجتماعی معاصر، ساده‌نویسی است.

۵-۴- امیدبخشی به جامعه اسلامی

یکی از امور بسیار مهم در ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، تغییر نگرش مردم به زندگی و امیدوار کردن آنها به آینده است. بسیاری از آیات قرآن، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، بر افزایش امید در زندگی دلالت دارند. آیات ناظر به شمول و گستردگی رحمت الهی بر همه بندگان (زمر: ۵۳؛ اعراف: ۱۵۱ و ۱۵۶؛ یوسف: ۶۴؛ حجر: ۵۶؛ مؤمنون: ۱۱۸)، آیات دال بر غفران الهی نسبت به گناهان (نساء: ۱۰۶؛ نور: ۶۲؛ محمد: ۱۹؛ ممتحنه: ۱۲)، آیات مربوط به قیامت و پاداش دادن نیکوکاران (یس: ۵۴؛ کهف: ۸۸؛ فرقان: ۱۴؛ احقاف: ۱۴) و جزا دادن گناهکاران (انعام: ۹۳؛ یوسف: ۵۲؛ نمل: ۹۰)، آیات ناظر به پشتیبانی و حمایت خداوند از متقین در دنیا و آخرت (غافر: ۱۷؛ بقره: ۴۸، ۱۲۳؛ لقمان: ۳۳)، آیات ناظر به چند برابر شدن ارزش کار نیکوکاران (حدید: ۱۸؛ انعام: ۱۶۰) و بسیاری آیات دیگر، حکایت از امیدبخشی به مردم نسبت به آینده در زندگی دارد. مفسران اجتماعی قرآن نیز در تفسیر این گونه از آیات قرآن می‌کوشند تا با الهام از آیات قرآن حس امید به زندگی را در مردم تقویت کنند و با ایجاد

نگرش مطلوب و افزایش حس اعتماد به نفس، موجب تقویت روحیه آنان شوند. این امر به نوبه خود موجب شکوفایی مظاهر تمدن نوین اسلامی در جامعه می‌شود و جامعه را در مسیر تعالی از جامعه موجود به جامعه مطلوب دینی هدایت می‌کند. از دیگر مصادیق ایجاد نگرش مطلوب، تغییر نگرش به خانواده، افزایش منطقی جمعیت مسلمانان، تشویق به کار جمعی و پرهیز از فردگرایی، آینده‌نگری، روش کسب معیشت، تبیین الگوهای صحیح مصرف، آموزش روش صحیح زندگی در مسائل رفتاری در تعاملات اجتماعی، و دهها مسئله دیگر را می‌توان نام برد (در این باره ر.ک: داوریانه، ۱۳۷۵، ج ۱۴: ص ۲۳۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ص ۳۰۴؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۱۳۵؛ ج ۴: ص ۴۹؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۶: ص ۳۱۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۴: ص ۱۷۱، ذیل آیات یادشده). عموم مفسران اجتماعی در پرتو آیات قرآن می‌کوشند تا نگرش مردم را به زندگی تغییر دهند و روح امید و اعتماد به نفس را در آنها زنده کنند. آنها تلاش می‌کنند تا با تغییر در سبک زندگی و الگوهای رفتاری متناسب با آن و ایجاد فرهنگ مطلوب دینی در میان مردم، در جهت شکوفایی تمدن نوین اسلامی گام بردارند. افزون بر موارد پیشین، آیه مهم دیگری که روح امید به زندگی را در مردم زنده می‌کند و آنها را به آینده امیدوار می‌سازد آیه ۷۷ سوره قصص است:

وَأَتَّبِعْ فِيمَا أَمَرَكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.

با آنچه خداوند به تو داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن؛ و چنان‌که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن؛ و در زمین فساد مجوی، که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.

مفسران اجتماعی، همچون آیت‌الله مکارم شیرازی (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ص ۱۵۹)، سید قطب (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۲۷۱)، علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۷۶) و بسیاری دیگر، با استناد به این آیه معتقدند که تلاش برای دنیا و نعمت‌های دنیا مذموم نیست؛ بلکه مطابق این آیه، مردم باید برای بهره‌مندی از دنیا و نعمت‌های آن تلاش کنند. آنچه مورد مذمت است، این است که تلاش برای دنیا، به دنیاپرستی و فراموشی آخرت یا فساد در زمین و ظلم و تجاوز بینجامد (همچنین، ر.ک: حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۱۵۲؛ مغنیه، بی تا: ص ۵۱۸).

همان‌گونه‌که دیده می‌شود، مفسران اجتماعی قرآن، برخلاف برخی از مفسران گذشته، روح امید به زندگی را در مردم احیا می‌کنند و از این طریق درصدد اصلاح زندگی مردم، و درنهایت ایجاد تمدنی مبتنی بر قرآن و آموزه‌های دینی‌اند.

۵-۵- تأکید بر جایگاه علم و معرفت در شکوفایی تمدن نوین اسلامی

تاریخ علم و دانش، همزاد و هم‌زمان با تاریخ پیدایش انسان است و بشر همواره درصدد بوده است که بر علم و آگاهی خود بیفزاید. علم و آگاهی، چشمان انسان را باز و بینا می‌کند؛ به او قدرت می‌بخشد و راه سعادت و تکامل و راه ساختن تمدن و به‌پیش رفتن را به انسان می‌آموزد. از این رو، یکی از بسترهای ضروری برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، رواج پژوهش و اندیشه‌ورزی در جامعه است. این امر، اهتمام مسئولان، رهبران و کارگزاران آن جامعه به گسترش علم، تسهیل پژوهش و روان‌سازی جریان تفکر و اندیشه در میان فرهیختگان، نخبگان و اندیشمندان را می‌طلبد. روشن است که جهت‌گیری‌های کلان و اولویت‌های اساسی یک جامعه را دست‌اندرکاران و حاکمان تعیین می‌کنند. در صورتی که آنان برای تحقیق و پژوهش و تولید فکر و اندیشه و اصولاً مباحث علمی و فرهنگی ارزش قائل باشند و فضایی مناسب برای طرح و ارائه افکار و اندیشه‌های متنوع و گونه‌گون فراهم آورند، اندیشه‌سازان و متفکران و هنرمندان، با شوق و علاقه و بدون دغدغه از عواقب فکر و اندیشه‌شان، به خلق آثار فکری، علمی و هنری می‌پردازند؛ ولی هنگامی که لوازم و امکانات پژوهش وجود نداشته باشد و فضای مناسب برای طرح ایده‌ها و نظریات نو و خلاقانه که طبیعتاً پاره‌ای از آنها با افکار و اندیشه‌های رایج و سنتی سازگار نخواهند بود، فراهم نباشد، یا پدیده فرار مغزها و مهاجرت جمعی صاحب‌نظران و متفکران رخ می‌دهد یا افکار و اندیشه‌ها امکان نشر و تحرک نمی‌یابند؛ و هر دو نتیجه، به معنای رکود و سکون در حوزه فکر و اندیشه و فرهنگ و هنر است (شریف‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۸).

در آموزه‌های قرآن و روایات نیز ده‌ها آیه و صدها روایت در بیان اهمیت علم، جایگاه، تعریف، اقسام، شرایط و مسائل علم و آموزش، و نیز مذمت جهل و آثار آن آمده است. با نگاهی گذرا به آموزه‌های قرآن و روایات، می‌توان دریافت که هیچ مکتب و اندیشه‌ای همچون اسلام، جایگاه والایی به علم و دانش نداده است. از منظر قرآن، ارزش علم چنان بالاست که عالمان در ردیف ملائکه قرار گرفته (آل عمران: ۱۸) و نادانان توییح شده‌اند (زمر: ۹)؛ از سوی دیگر، در منطق قرآن، علم‌آموزی موجب رفعت درجه است (مجادله: ۱۱) و به جنس خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه هم مرد و هم زن به تعلیم و تعلم دعوت شده‌اند (فاطر: ۲۸). افزون‌براین، قرآن دستور می‌دهد که انسان همواره برای طلب علم دعا کند (طه: ۱۱۴)؛ هدف انبیا نیز رفع جهالت از همه مردم بوده است (بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲). براساس قرآن، داشتن علم، شرط مدیریت و زمامداری (یوسف: ۵۵؛ بقره: ۲۴۷) و یکی از معیارها و ملاک‌های گزینش افراد و منصب‌هاست (زمر: ۹؛ بقره: ۲۴۷). روشن است که این امر چقدر می‌تواند در مدیریت صحیح جامعه نافذ باشد و به‌نوبه‌خود در شکوفایی تمدن نوین اسلامی نقش مهمی داشته باشد.

مفسران اجتماعی با الهام از آیات قرآن و در پرتو معارف وحیانی، افزون‌بر موارد پیش‌گفته، نقش‌های متعدد دیگری را برای علم و دانش برشمرده‌اند؛ نقش‌هایی که هریک در پیشبرد جامعه به‌سوی تعالی و شکوفایی تمدنی نوین براساس آموزه‌های وحیانی، اساسی‌اند. از منظر آیات قرآن، علم حقیقی موجب می‌شود آخرت‌گرایی بر دنیاخواهی مقدم شود (بقره: ۱۰۲؛ عنکبوت: ۶۴)؛ امری که از نظر مفسر اجتماعی، رکن اساسی برای مدیریت صحیح جامعه و شکوفایی تمدن اسلامی است؛ زیرا اگر مردم و زمامداران به این حقیقت رسیده باشند که آخرت را بر دنیا و دنیاخواهی ترجیح دهند، آن جامعه در مسیر شکوفایی قرار می‌گیرد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ص ۳۰۴).

در منطق قرآن، علم، آگاهی و بصیرت، وسیله تشخیص ارزش‌های برتر در زندگی (نحل: ۹۵؛ قصص: ۸۰؛ عنکبوت: ۶۴؛ صف: ۱۱)، عامل خضوع و خشوع در برابر حق و پذیرش آن (اسراء: ۱۰۷؛ حج: ۵۴)، موجب مصونیت از سختی‌ها و مصیبت‌ها و زمینه‌ساز رفاه و آسایش (اعراف: ۱۸۸)، نشانه شایستگی فرماندهی (بقره: ۲۴۷-۲۴۶) و ده‌ها فایده دیگر نیز می‌باشد. مفسران اجتماعی ذیل این آیات، عموماً به نقش بی‌بدیل علم و آگاهی در بصیرت‌افزایی و تأثیر آن بر زندگی مردم توجه دارند و می‌کوشند تا از طریق تبیین بُعد اجتماعی آیات و توضیح کارکرد اجتماعی آن، سبک زندگی مردم را قرآنی سازند و از این رهگذر، به‌سوی شکوفایی تمدن نوین اسلامی گام بردارند (برای بررسی رویکرد تمدنی مفسران اجتماعی، رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ص ۲۲۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴: ص ۲۵۱؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۷: ص ۱۳۱ و بسیاری تفاسیر دیگر).

بنابراین - باتوجه‌به آنچه گذشت - روشن شد که از منظر قرآن، علم، آگاهی و دانش، نقش مهمی در سبک زندگی مردم و فرهنگ و تمدن آنها دارد. مفسران اجتماعی قرآن نیز به‌نوبه‌خود و باتوجه‌به این مطلب، با رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی به تبیین این آیات می‌پردازند و می‌کوشند تا مردم را هرچه بیشتر به اهمیت فراگیری علم و دانش تشویق کنند و از این طریق، گامی در جهت شکوفایی تمدن نوین اسلامی بردارند.

۵-۶- توجه دادن به ضرورت تربیت نیروی انسانی آگاه به مبانی اسلام

یکی از الزامات تحقق تمدن اسلامی، ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی است. تحول ریشه‌ای در جوامع و تمدن‌ها، در سایه نیروی انسانی آگاه و کارآمد شکل می‌گیرد. تمدن‌سازی، پدیده‌ای چندبعدی است که مدیریت صحیح و منطبق بر مبانی اسلام، از لوازم ضروری آن است (ملکی، ۱۳۹۲: ص ۵۹۳). عموم مفسران اجتماعی به این نکته توجه کرده‌اند و می‌کوشند تا نسل جوان را با مبانی اصیل دینی آشنا کنند. برای نمونه، از نظر آیت‌الله طالقانی انحرافات فکری جامعه و اندیشه‌های مارکسیستی و ماتریالیستی و دوری جوانان از آموزه‌های اصیل قرآنی، از مشکلات اساسی

جامعه مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۴۶۹). مفسران اجتماعی از آن‌رو که دیدند مسلمانان و جوانان در مواجهه با پیشرفت علمی و صنعتی غرب دچار نوعی زبونی و احساس حقارت شده‌اند و از سوی دیگر این زبونی را از ناحیه دین اسلام و نظام فکری و سیاسی حاکم بر خود می‌بینند، برای احیای مجد و عظمت از دست‌رفته اسلام و آگاه ساختن مردم به مبانی حقیقی دینی، در صدد تفسیر اجتماعی قرآن برآمدند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲ش، ج ۲: ص ۴۳۱).

سعید حوی، یکی از مفسران اجتماعی معاصر، در این باره می‌گوید: «امت اسلامی از تعالیم قرآن و تأثیرپذیری از مفاهیم کتاب الهی فاصله گرفته و باید تلاش زیادی انجام گیرد تا شخصیت مسلمان با قرآن دوباره هماهنگی یابد و تربیت او تربیتی قرآنی باشد؛ به‌گونه‌ای که متخلق به اخلاق قرآنی گردد و نشانه‌های اخلاق قرآنی در زندگی مردم آشکار باشد» (حوی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۰). بنابراین، از نظر مفسران اجتماعی قرآن، برای پیشرفت جامعه و شکوفایی تمدنی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، پرورش نیروی انسانی آگاه به مبانی دینی و اسلامی، از ضروریات هر جامعه‌ای است.

۶- نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت:

الف) یکی از گرایش‌های تفسیری معاصر، گرایش اجتماعی به قرآن است. در این گرایش، مفسر قرآن در صدد پاسخگویی به مشکلات اجتماعی و شبهات مردم است. مفسر اجتماعی قرآن با نگاه جامعه‌شناختی، از طریق تبیین مسائل اجتماعی آیات یا عرضه مشکلات بر قرآن، در پی ارائه پاسخی از منبع وحی برای اصلاح سبک زندگی و فرهنگ حاکم بر زندگی مردم و در نهایت شکوفایی تمدن نوین اسلامی است.

ب) تمدن‌ها، از جمله تمدن اسلامی، دارای دو بعد مادی و معنوی‌اند. بُعد معنوی تمدن، جایگاه و اهمیت بالاتری دارد. رویکرد اجتماعی به قرآن، گرچه به هر دو بعد تمدن نظر دارد، عمدتاً در صدد اصلاح بعد معنوی تمدن است. آنچه در این بُعد مهم است، سبک زندگی مردم و فرهنگ حاکم بر تعاملات آنان با همدیگر و با دیگر ادیان و مذاهب است که از کلیدی‌ترین مسائل در تفاسیر اجتماعی است.

ج) مفسران اجتماعی، از راه‌های گوناگونی برای شکوفایی تمدن نوین اسلامی می‌توانند نقش ایفا کنند. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: هویت‌بخشی به جامعه اسلامی؛ ایجاد اتحاد میان امت اسلام؛ به‌صحنه آوردن تعالیم قرآن در زندگی مردم؛ ایجاد نگرش مطلوب به زندگی در مردم؛ تبیین جایگاه علم و دانش در شکوفایی تمدن نوین اسلامی؛ تربیت نیروی انسانی آگاه به مبانی اسلام؛ تلاش برای خرافه‌زدایی از زندگی مردم در همه ابعاد عقیدتی و عملی؛ نمایاندن

چهره واقعی دین اسلام به صورت مکتبی جامع و کارآمد؛ اصلاح تدریجی خرد و اندیشه در سطوح مختلف، از عموم مردم تا علما و دانشمندان؛ تجدید حیات اجتماعی و سیاسی اسلام؛ مبارزه با استعمار و تلاش برای بیداری مسلمانان؛ بازگرداندن مبانی پیشرفت علمی به سرچشمه‌های اصیل اسلامی؛ تلاش برای ایجاد دولت اسلامی و استحکام بخشیدن به آن؛ تربیت صحیح نسل جوان و نوجوان؛ رهانیدن تفکر از جمود و خمود؛ روشن ساختن پیوند علم و دین و تبیین عدم تعارض میان آنها؛ دمیدن روح تعهد، جهاد، استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کالبد مردم؛ مبارزه با خودباختگی در برابر غرب؛ ایجاد نگرش مطلوب دینی در میان مردم در همه عرصه‌ها؛ و ده‌ها مسئله دیگر.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد طاهر. (بی تا)، التحرير و التنوير. بيروت. موسسه التاريخ العربی.
۳. اسعدی، محمد و همکاران. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. اسماعیلی، مجید و عبدالحمید واسطی. (۱۳۹۴). «اجتهاد سیستمی، راهبرد کلان تولید الگوی اسلامی پیشرفت در افق آینده». مجله سیاست متعالیه. شماره ۸.
۵. اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵/۱۱/۱۰). «بیست ویژگی گفتمان تمدن‌ساز قرآن کریم». پایگاه اطلاع‌رسانی رسالات. به‌نشانی:
<http://resalaat.ir/NewsDetail.aspx?itemid=4686>
۶. امامی، سیدمجید. (۱۳۹۱). «از جامعه‌شناسی تمدن تا معناشناسی ملک». مجله سوره اندیشه. شماره ۶۴ و ۶۵.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم. بنیاد بعثت.
۸. پسندیده، عباس. (۱۳۸۶). «اتحاد و نظریه اقتدار سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام». مجله حکومت اسلامی. شماره ۴۴.
۹. ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید. تهران. انتشارات برهان. چاپ سوم.
۱۰. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲). «ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن نوین اسلامی». مجله مدیریت فردا. شماره ۲.
۱۲. حائری تهرانی، میرسیدعلی. (۱۳۷۷). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر. تهران. دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح. بیروت. دار الجیل الجدید. چاپ دهم.

۱۴. حسینی میرصفی، سیده فاطمه. (۱۳۹۲). گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن. تهران. امیرکبیر.
۱۵. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۴ق). تفسیر انوار درخشان. تحقیق: محمدباقر بهبودی. تهران. کتاب فروشی لطفی.
۱۶. حوی، سعید. (۱۴۱۲ق). الاساس فی التفسیر. قاهره. دارالسلام للطباعة و النشر.
۱۷. خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی». مجله علوم اجتماعی. شماره ۲۳.
۱۸. خطیب، عبدالکریم. (بی تا). التفسیر القرآنی للقرآن. بیروت. دار الفکر العربی.
۱۹. داورپناه، ابوالفضل. (۱۳۷۵). انوار العرفان فی تفسیر القرآن. تهران. انتشارات صدر.
۲۰. دورانت، ویل. (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد بطحایی. تهران. سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. مصحح: داوودی، صفوان عدنان. بیروت - دمشق. دار القلم - الدار الشامیه.
۲۲. رشیدرضا. (۱۹۹۰م). تفسیر المنار. بیروت. دار الفکر.
۲۳. زحیلی، وهب بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. بیروت و دمشق. دار الفکر المعاصر. چاپ دوم.
۲۴. زمانی، مصطفی. (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید. تهران. کتابخانه صدر.
۲۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت. دار التعارف للمطبوعات.
۲۶. سید قطب. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. بیروت - قاهره. دارالشروق. چاپ هفدهم.
۲۷. سید رضی. محمد بن حسین. (۱۳۷۹). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم. مشرقین.
۲۸. شریعتی، محمد تقی. (بی تا). تفسیر نوین. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. شریف، محمد ابراهیم. (۱۴۱۲ق). اتجاهات التجدید فی التفسیر القرآن الکریم. قاهره. دار التراث.
۳۰. شریف نیا، محمد حسین. (۱۳۷۹). «به سوی تمدن اسلامی؛ ضرورت ها و بایسته ها». مجله روش شناسی علوم انسانی. شماره ۲۳.
۳۱. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم. انتشارات فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
۳۲. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. تهران. شرکت سهامی انتشار. چاپ چهارم.

۳۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم. دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
۳۴. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. مصحح: احمد حسینی اشکوری. تهران. نشر مرتضوی. چاپ سوم.
۳۵. طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران. انتشارات اسلام. چاپ دوم.
۳۶. فرمهبنی فراهانی، محسن. (۱۳۹۵). «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی». مجله مطالعات اسلامی. شماره ۶۷.
۳۷. فضل‌الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت. دار الملائک للطباعه و النشر. چاپ دوم.
۳۸. قاسمی، فرامرز و حسین عساریان‌نژاد. (۱۳۹۴). «علم نافع و تدین اخلاقی، دو بال تکوین تمدن نوین اسلامی». مجله دانش راهبردی. شماره ۱۲۵.
۳۹. قاسمی، محمدجمال‌الدین. (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل. تحقیق: محمد باسل عیون السود. بیروت. دارالکتب العلمیه.
۴۰. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران. مرکز فرهنگی درسهای از قرآن. چاپ یازدهم.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، تهران. بنیاد بعثت. چاپ سوم.
۴۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. مصحح: جمعی از محققان. بیروت. داراحیاء التراث العربی. چاپ دوم.
۴۳. مدرسی، سیدمحمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران. دار محبب الحسین.
۴۴. مراغی، احمدبن مصطفی. (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت. داراحیاء التراث العربی.
۴۵. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران. دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. مغنیه، محمدجواد. (بی‌تا). التفسیر المبین. قم. بنیاد بعثت.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. ملکی، حسن و یاسر ملکی. (۱۳۹۲). «اخلاق، معنویت، عقلانیت و تمدن نوین اسلامی». مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. شماره ۵۷.
۴۹. مهاجرانی، سیدعطاءالله. (۱۳۷۵). «تمدن نوین اسلامی». مجله راهبرد فرهنگ. شماره ۱۲.
۵۰. نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان. تهران. انتشارات اسلامیه.
۵۱. نفیسی، شادی. (۱۳۷۹). عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.